

محمد کهنوجی مدیر آب و خاک جهاد کشاورزی استان کرمان تصریح کرد

کشاورزی را با صنعت مقایسه نکنید

مصاحبه‌کننده
مریم حسنی سعدی

بسیاری از اظهارنظرهای کارشناسان و مسئولان این نگرش را در جامعه ایجاد کرده که بخش کشاورزی مقصر اصلی وضع موجود منابع آبی کشور است. حتی سیاست‌گذاری‌ها با این بهانه، به‌سمت انتقال آب از بخش کشاورزی به سایر بخش‌ها از جمله بخش صنعت، معادن، خدمات و فضای سبز شهری حرکت کرده‌اند. وابستگی کشاورزی و زندگی کشاورزان به آب انکارناشدنی است و در واقع بخش کشاورزی را باید اولین قربانیان وضع موجود منابع آبی به‌شمار آورد. اما در چنین وضعیتی چرا کشاورزی متهم ردیف اول وضع موجود منابع آبی تلقی می‌شود، آیا بخش کشاورزی و کشاورزان ما در حال خودکشی هستند! در این‌باره با محمد کهنوجی مدیر آب و خاک سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان به گفت‌وگو نشستیم.

آقای کهنوجی! به‌نظر شما چرا از بخش کشاورزی در مسئله آب کشور به‌عنوان متهم ردیف اول نام برده می‌شود؟

آب از اساسی‌ترین نهاده‌های بخش کشاورزی است، ولی من نمی‌دانم چرا متأسفانه همیشه با فعالیت‌های دیگر همچون صنایع و معادن که آب جز اولویت‌های چهارم و حتی بیشتر آنها در تولید است، مقایسه می‌شود! باید گفت که کشاورزی عجین شده با آب است، قیاس‌هایی که انجام می‌دهند به‌نظرمن درست نیست. بدون آب که نمی‌شود کشاورزی انجام داد.

نکته دیگر اینکه، یکسری اعداد و ارقام اعلام می‌شود که منطقی نیستند؛ مثلاً گفته می‌شود بیش از ۹۰ درصد آب در بخش کشاورزی استفاده می‌شود! درصورتی‌که چنین چیزی درست نیست. دلیل آن هم این است که در دو دهه گذشته میزان آب در بخش کشاورزی به‌شدت کاهش پیدا کرده و بسیاری از چاه‌ها کم‌آب شده‌اند. در خیلی از دشت‌های استان کرمان تعداد قابل توجهی از چاه‌ها به‌طور کامل خشک شده‌اند. به‌طورمثال، در یک دهه اخیر بیش از ۱۲۰ حلقه چاه فقط در دشت ارزوئیه خشک شده و تعداد زیادی از آنها در منطقه فرح آباد و زنگی آباد و ... از حیز انتفاع خارج شده‌اند.

اعداد و ارقام اعلامی، حداقل مربوط به یک دهه قبل بوده که آن‌هم به‌طور تجربی محاسبه شده‌اند. بنابراین، عددهایی که به‌عنوان مبنای مصرف آب در بخش کشاورزی از آنها یاد می‌شود، صحیح نیستند. مطالعات انجام شده توسط سازمان تحقیقات کشاورزی کشور نشان داده‌است که حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد آب در بخش کشاورزی مصرف می‌شود.

معمولاً یکی از دلایلی که در تأیید این اتهام بیان می‌شود غیربهینه بودن بخش کشاورزی است!

باید پرسید که غیربهینه نامیدن بخش کشاورزی با چه مقیاس‌هایی است! مثلاً گفته می‌شود کشاورزان در آمریکا ۳,۵ تن پسته از هر هکتار برداشت می‌کنند و کشاورزان در ایران در هر هکتار ۶۰۰ کیلوگرم پسته تولید می‌کنند. اما نمی‌گویند که در آمریکا برداشت ۳,۵ تن پسته از هر هکتار با چه حجم و کیفیتی از آب است! در آنجا ۱۱ هزار متر مکعب آب شیرین در حد استاندارد مصرف می‌کنند! اما کشاورزان در استان کرمان به‌طور متوسط حدود ۶ هزار مترمکعب آب که عمدتاً شور و از نظر استانداردهای بین‌المللی غیرقابل استفاده می‌باشد در باغات مصرف می‌کنند!

کسی این سوال را نمی‌پرسد که وضعیت بهره‌وری سایر بخش‌های صنعتی در مقایسه با کشورهای صنعتی چگونه است! آیا صنایع بهره‌ور و بهینه هستند! وقتی صحبت از صنعت می‌شود تمام نگاه‌ها به سمت سه یا چهار کارخانه بزرگ معدنی می‌رود؛ آیا وضعیت بنگاه‌های صنعتی کوچک که در شهرک‌های صنعتی و یا نواحی صنعتی هستند، همانند صنایع بزرگ و سایر کشورهاست!

چنانچه بخواهیم به معرفی چند نمونه اکتفا کنیم، در بخش کشاورزی ایران هم نمونه‌های بارزی وجوددارد که بهره‌وری‌شان خیلی بالاتر از آمریکا است. باغات پسته‌ای در استان کرمان وجوددارد که به ازای هر مترمکعب نزدیک به دو کیلوگرم پسته خشک تولید می‌کنند. پس بیان چند نمونه محدود، نماینده کل مجموعه نیست. در بخش کشاورزی، در مناطقی که کیفیت آب به نسبت مناسب است و آب به اندازه کافی وجوددارد، وضعیت بهره‌وری خوب است. ضمن اینکه نهاده اصلی دیگر در کشاورزی خاک بوده که در بسیاری از مناطق دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که بهره‌وری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

همچنین، تغییرات اقلیمی در یک دهه اخیر نیز روی بهره‌وری بخش کشاورزی به‌شدت تأثیر منفی گذاشته‌است. متأسفانه به‌دلیل خرده‌مالکی زیاد که عمدتاً ناشی از قانون ارث است، بهره‌وری کشاورزی در ایران نسبت به استانداردهای جهانی پایین‌تر است.

پس به‌طورکلی قبول دارید که کشاورزی بهره‌وری پایینی دارد؟!

شما فکر می‌کنید در صنعت خودروسازی همانند کشورهای خودروساز، بهره‌ور هستیم! قطعاً یک فاصله معنی‌دار بین خودروسازی‌های ما در مقایسه با دنیا وجوددارد. بنابراین، صنعت و کشاورزی باید باتوجه به توازن و توسعه پایدار، نسبتِ اشتغال و ملاحظات زیست محیطی مدنظر قرار بگیرند.

برخلاف آنچه که به‌صورت مطلق می‌گویند:« بهره‌وری در کشاورزی پایین است» این سخن علمی نیست. مصداق آن هم این است که چاه‌های بسیاری کم آب شده‌اند و به‌دلیل شرایط خشکسالی حاکم بر کشور قطعاً مصرف آب در بخش کشاورزی روند کاهشی داشته، اما برخلاف گذشته، تولید محصولات بالارفته‌است. هیچ‌کس نمی‌تواند این موضوع را انکار کند. آیا در گذشته محصولات سبزی و صیفی به این فراوانی موجودبوده‌است! بنابراین، با کم شدن آب، علی‌رغم اینکه جمعیت از ۶۰ میلیون به ۸۵ میلیون نفر رسیده، مصرف تولیدات کشاورزی هم کم نشده‌است. پس در تولید اتفاقی افتاده و آن اتفاق، افزایش بهره‌وری بوده‌است.

گفته می‌شود پس چرا سطح آب پایین آمده‌است! دلیل پایین آمدن سطح آب، صدور مجوز برداشت بیش از توان سفره و عدم کنترل برداشت آب است. اگر به اندازه توان سفره مجوز صادر شده‌بود با کاهش آبدهی چاه‌ها روبه‌رو نبودیم.

به هر حال می‌بینیم که دستورالعمل‌ها و رویکرد دولت به این سمت رفته که آب از بخش کشاورزی به صنعت انتقال پیداکند.

این که گفته شود که کشاورزی این بحران را ایجاد کرده‌است، چنین چیزی نیست. در واقع، سیاست‌های نامناسب در حوزه آب باعث شده‌است که آب به این وضعیت بیفتد. مثلاً، از قانون برنامه

> گفته می‌شود کشاورزان در آمریکا ۳٫۵ تن پسته از هر هکتار برداشت می‌کنند و کشاورزان در ایران در هر هکتار ۶۰۰ کیلوگرم پسته تولید می‌کنند. اما نمی‌گویند که در آمریکا برداشت ۳٫۵ تن پسته از هر هکتار با چه حجم و کیفیتی از آب است! در آنجا با ۱۱ هزار متر مکعب آب شیرین در حد استاندارد مصرف می‌کنند!

> برای اینکه کشاورزی پیشرفت کند نیاز به ابزار و ماشین‌آلات دارد. ابزار و ماشین‌آلات بایستی از بخش صنعت تأمین شود. از سوی دیگر، واردات محدود است و در داخل کشور هم واقعاً در زمینه تولید بعضی از ادوات کشاورزی مشکل وجوددارد. در چنین وضعیتی چگونه انتظار داشته‌باشیم کشاورزی به سمت فناوری‌های جدید برود!



سوم توسعه قرار بوده که وزارت نیرو به‌عنوان نماینده حاکمیت، آب را به صورت حجمی تحویل بهره‌برداران بدهد. متأسفانه این کار انجام نشده‌است!

بنابراین، اگر قرار است آب از یک بخش کم و به بخش دیگر برود، باید تمام مزیت‌های نسبی آن از جمله اشتغال، محیط زیست، مواد اولیه و بسیاری مسائل دیگر سنجیده شود. در استان کرمان بالای ۵۰ درصد از اشتغال وابسته به بخش کشاورزی است. قاعدتاً نمی‌توان این حجم از اشتغال را در سایر بخش‌ها تأمین نمود. کم‌کردن آب در بخش کشاورزی خسارات زیادی به بهره‌برداران وارد خواهدکرد. لازم است در این خصوص تمهیداتی اندیشیده شود. امروز با وضعیتی که در جهان حاکم است، امنیت غذایی نقش بسیار حیاتی و مهمی دارد و نمی‌توان به راحتی از امنیت غذایی و کشاورزی گذشت.

آقای مهندس! یکی از دلایل دیگر برای اتهام زدن به بخش کشاورزی، اتلاف زیاد آب است؛ نظر شما چیست؟

قابل انکار نیست که اتلاف در بخش کشاورزی زیاد است، اما این واقعیت را باید بپذیریم که مدیریت و نظارت در تخصیص آب در کل کشور مشکل دارد. مثلاً آبی که از دهانه موتور پمپ بیرون می‌آید را درست مدیریت نمی‌کنیم، اما توقع داریم که بخش کشاورزی باید در ۱۰۰ هکتار که آب در آنجا توزیع می‌شود، مدیریت کند. بی‌شک اگر مدیریت و نظارت در تخصیص درست شود، کشاورز هم بر اساس حجم آبی که تحویل می‌گیرد دنبال محصولاتی می‌رود که بهره‌وری اقتصادی بالایی داشته‌باشند. در واقع، آن‌وقت کشاورز از هر قطره آب بهینه استفاده می‌کند. به‌نظر شما، اگر در بخش شرب خانگی تمام کنتورها را جمع کنند، می‌توان مصرف آب در خانه‌ها را با فرهنگ‌سازی و کارهای ترویجی کمتر کرد!

گفته می‌شود کشاورزی ما سنتی است و کشاورزان از فناوری‌های جدید استفاده نمی‌کنند. به‌نظر شما چرا ما به سمت استفاده از فناوری‌های جدید نرفته‌ایم؟

برای اینکه کشاورزی پیشرفت کند نیاز به ابزار و ماشین‌آلات دارد. ابزار و ماشین‌آلات بایستی از بخش صنعت تأمین شود. از سوی دیگر، واردات محدود است و در داخل کشور هم واقعاً در زمینه تولید بعضی از ادوات کشاورزی مشکل وجوددارد. در چنین وضعیتی چگونه انتظار داشته‌باشیم کشاورزی به سمت فناوری‌های جدید برود!

در یکی دو سال گذشته محصول کشاورز به‌دلیل سرمازدگی از بین رفت، کشاورزان از کدام ماشین‌آلات استفاده کنند که محصول و کل سرمایه یک ساله‌اش طی یک تا دو ساعت از بین نرود! درصورتی‌که در کشورهای پیشرفته از هلی‌کوپترها و سایر ادوات که مقرون به‌صرفه هستند برای جلوگیری از سرمازدگی استفاده می‌کنند. صنایع باید به کمک بخش کشاورزی بیایند و ماشین‌آلات مورد نیاز را تولید و نیازهای بخش کشاورزی را تأمین کند. بخش کشاورزی نمی‌تواند هم کشاورزی کند و هم برود صنایع وابسته به خودش را بسازد. وظیفه کشاورز تولید است. اینکه مکانیزاسیون به کمک آن بیاید، بایستی بخش صنعت رشد کند که در این زمینه در حال حاضر مشکل وجود دارد.